



انثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، به‌ باز خوانی و بررسی فراز و فرود های پرونده هسته‌ای ایران در دو دهه اخیر پرداخته است. این پژوهش به دست محمد هادی

توکل پور کوخدان انجام شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته است.
تارنمای ناشر در معرفی این کتاب به نکات پی آمده اشارت برده است:

«بررسی تاریخ تحولات بین‌الملل نشان می‌دهد به رغم برتری و پیشدستی کشورهای بزرگ در تأمین منافع و آمل استعماری خود در لابه‌لای معاهدات و اسناد بین‌المللی، تلاش‌های کشورهای مستضعف، خواه در قالب تلاش‌های گروهی و انفرادی، از نتیجه و دستاورد خالی نبوده است. تسویب میثاق‌های بین‌المللی، حقوق اقتصادی و سایر تحولات دهه ۶۰ و ۷۰ و موقعیت کشورهای غیرمتعهد تا حدودی پیشرفت‌های کشورهای مستضعف را نمایان کرده پیشرفت‌هایی که چندان به مذاق قدرت‌های استکباری خوش نیامد. پرونده هسته‌ای ملت ایران که نماد دیگری از ایستادگی و صلابت انقلابی این مردم است، از ابعاد مختلف حائز اهمیت و قابل بررسی است؛ تلاش‌های خستگی‌ناپذیر دانشمندان هسته‌ای و جوان ایران، همت و کبایت سیاستمداران، ایستادگی و صبر مؤمنانه ملت ایران در برابر تحریم‌ها و تهدیدها و… مسفات تاریخ انقلاب را از صلابت و شور مؤمنانه لبریز کرده است. با توجه به ضرورت و جایگاهی که انرژی هسته‌ای برای کشورمان داشته است، به خصوص اینکه یکی از وسایل مهم تحقق چشم‌انداز ۲۰ساله نظام است و با عنایت به نوع بر خورد مجامع رسمی بین‌المللی



از جمله آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل با پرونده هسته‌ای ایران در این تحقیق برانیمت رفتار ایران را در مورد فعالیت‌های هسته‌ای خود، بر اساس اصول کلی حقوقی، معاهدات بین‌المللی، منشور سازمان ملل متحد، اصل عدالت و انصاف و به خصوص اساسنامه آژانس انرژی اتمی و معاهدان آن. پی‌تی مورد نقد و تحلیل قرار دهیم تا با اثبات خنایت آن چرایی مقاومت و ایستادگی خود را مشخص و آن را تاوادم بخشیم- از آنجا که یکی از دلایل نوع برخورد قدرت‌های هسته‌ای با مسئله هسته‌ای ایران به چرایی و چگونگی تشکیل سازمان‌ها و نهاده‌ها و همچنین مفاد قوانین و مقررات تصویب شده در این زمینه برمی‌گردد، در بخش اول این نوشتار به نقد و بررسی شکل گیری این مقررات و همچنین اهداف و ویژگی‌های آن پرداخته‌ایم تا علاوه بر آشکار نمودن نیت کشورهای غربی در این خصوص، حقوق و تعهدات جمهوری اسلامی ایران و به تبع آن نحوه تعامل ایران با این سازمان‌ها و پیمان‌ها در این بین مشخص شود. همچنین با توجه به اینکه حقوق بین‌الملل به دلیل صیغه سیاسی-مبنای شکل گیری آن به سختی می‌تواند بی‌توجه به مسائل سیاسی رشد و نمو یابد و به خصوص اینکه در مورد پرونده هسته‌ای ایران، کشورهای غربی از ابعاد حقوقی آن کاسته و بیشتر مسائل سیاسی را در آن دخیل کرده‌اند. در بخش دوم، فعالیت‌های هسته‌ای ایران و شکل گیری پرونده آن در همین فضا، ضرورت دانش هسته‌ای برای ایران و نقش و اهدافی که کشورهای تأثیرگذار در این پرونده داشته‌اند، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در بخش سوم نیز به طور خاص به مسائل حقوقی مربوط به پرونده هسته‌ای ایران در تعامل با آژانس، کشورهای اروپایی و شورای امنیت پرداخته تا مباحث تصویب شده در قطعنامه‌های شورای حکام علیه ایران از جمله الزام ایران به تصویب پروتکل و مشروعه‌یت از جاع پرونده‌ی هسته‌ای ایران به شورای امنیت و در ادامه قطعنامه‌های شورای امنیت، مورد تحلیل واقع گردند…»

نظر و گذری بر

«بررسی حقوقی مسئله هسته‌ای ایران»

حق مسلم ایران و مزاحمت‌های استکبار

■ **شاهد توحیدی**



«محاکمه ترور بیست‌های دیرین، بهانه‌ای برای باز خوانی یک پرونده تاریخی» در گفت‌وشنود با سید جواد هاشمی نژاد – بخش پایانی

پیگیری‌های قضایی

روز به روز عرصه را بر منافقین تنگ‌تر می‌کند

■ **سمانه صادقی**

آغازین بخش از این گفت‌وشنود را روز گذشته از نظر گذراندید. اینک واپسین بخش از آن را پیش‌روی دارید. امید آنکه تاریخ‌پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مقبّد و مقبول آید.

■ ■ ■

اشاره کردید گروه موسوم به مجاهدین پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به دلیل عدم برخورداری از پایگاه مردمی، به ارتباط‌گیری با سفارت‌تخانه‌های خارجی پرداختند. از نظر شما دول خارجی می‌توانستند چه بهره‌هایی از این گروه ببرند؟

مسئلاً وجود مجاهدین برای سفارت‌خانه‌ها و سرویس‌های امنیتی کشورهای خارجی، یک فرصت بسیار مغتنم بود. مخصوصاً با توجه به فریبکاری‌هایی که آنها داشتند و حربه‌هایی که برای بزرگنمایی نقش خود در انقلاب اسلامی به کار می‌گرفتند. ما شاهد بودیم و او‌اخر رژیم پهلوی، تعداد مجاهدینی که از زندان آزاد شده بودند، ۳۰ نفر بودند، اما ناگهان در همان اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، این تعداد در سراسر کشور به ۳۰ هزار نفر تبدیل شدند! خوب وجود جماعتی اینچنین فریبکار و مغرب، بسیار می‌تواند به کار دولت‌های خارجی با مخالفان انقلاب اسلامی بیاید؛ اتفاقی که در عمل هم رخ داد. در فضای اوایل پیروزی انقلاب اسلامی و حضور گسترده جوانان در صحنه و گروه‌های رنگارنگی که وجود داشتند و فعالیت می‌کردند، طبیعتاً یکی از جذاب‌ترین گروه‌ها بنا بر شرایط ظاهری و شعراهایی که مجاهدین می‌دادند، می‌توانست این سازمان باشد، بنابراین آنها بلافاصله شروع به برنامه‌ریزی و ایجاد چالش‌های متنوع برای جوانان کردند. همچنین به موازات آن شروع به جذب کردن گروه‌ها و جریانات موجود

کردند. طبیعتاً در فعل و انفعالات سیاسی و اجتماعی، گروه‌ها منافع خود را در نظر می‌گیرند و به این نگاه می‌کنند که با ائتلاف‌های خود، چگونه می‌توانند به اکثریت تبدیل شوند و فضا را به نفع خود تغییر دهند. از این روی هم بود که دیدیم بنی‌صدر اولین رئیس‌جمهور یا گروه‌های ملی‌گرا مانند جبهه ملی و نهضت آزادی، از این فرصت‌ها استفاده کردند و با همنوایی با مجاهدین به یک ائتلاف سیاسی مبدل شدند! این هم‌گرایی پیامدهای سنگینی داشت، از جمله اینکه با نفوذی که مجاهدین در دستگاه حکومت پیدا کردند، بخش زیادی از رهبران انقلاب اسلامی را به شهادت رساندند، بنابراین شرایطی که سازمان مجاهدین خلق پس از پیروزی انقلاب اسلامی داشت، آنها را در موضع ایراد ضربات و آسیب‌های فراوان به نظام قرار داد. آنها با توجه به اینکه بافت فکری انقلاب اسلامی و رهبران آن در زندان‌های قبل از انقلاب را می‌شناختند و با ارتباطاتی که پیدا کرده بودند، توانسته بودند در نهادهای مختلف نفوذ کنند و برای عمل، دست‌بازی داشته باشند. مجاهدین به دلیل همین زمینه‌ها و نفوذ، مورد طمع کشورهای خارجی قرار گرفتند و برخی از آنها تمام قد از این گروه حمایت کردند! ما شاهد بودیم در طول ۳۰-۴۰ سال گذشته، یکی از حربه‌هایی که کشورهای متخاصم به جمهوری اسلامی همواره از آنها به خوبی بهره گرفته‌اند، سازمان موسوم به مجاهدین خلق بوده است. از این جنبه، می‌توان نقش این گروه را برنگردید.

آشوب‌هایی که از سال ۱۳۹۶ در کشور ما آغاز شد و تا هم‌اینک نیز در ابعاد گوناگون ادامه دارد تا چه حد معلول طراحی منافقین است؟

منافقین در شرایط مختلف، امتحان خود را پس داده‌اند. بهتر است قبل از پاسخ به پرسش شما به این

نکته اشاره کنیم که چرا در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، صدام حسین توانست از این گروه بیشترین استفاده را ببرد؟ چرا این گروه‌وقتی در کشور عراق استقرار یافت، مقدار زیادی از اطلاعاتی داخل کشور را در اختیار سرویس‌های امنیتی عراق قرار داد؟ یا اینکه گروه‌های معاند دیگری هم در همان دوران در کشور وجود داشتند، اما دست به چنین خیانتی نزدند. صدام حسین توانست از این گروه، برای جمع‌آوری اطلاعات فرماندهان نظامی و نقشه‌های جدید ایران در مرزهای کشورمان استفاده کند. به واقع اطلاعاتی که منافقین در دوران جنگ در اختیار حزب بعث عراق و صدام حسین قرار دادند، کمک بسیار ذی‌قیمتی به آنها قلمداد می‌شود. این اطلاعات به واسطه آن بود که منافقین علاوه بر آشنایی کامل با مبانی فکری انقلاب اسلامی با رهبران انقلاب نیز حشر و نشر داشتند. همین شناخت، می‌توانست بیشترین کمک را به عراق در دوران جنگ کند، بنابراین شاهد این هستیم که در دوره جنگ، این‌ گروه بیشترین تأثیر را در سایه همان نفاتی دیرین و بر سابقه خود داشت. آنها حتی به سرویس‌های دیگر کشورهای معاند هم مدد فراوان رساندند. در واقع می‌توان گفت همان بهره و استفاده‌ای را که حزب بعث و صدام حسین از منافقین در زمان جنگ هشت ساله بردند، سرویس‌های امنیتی مثل سیاای آمریکا و موساد اسرائیل نیز از منافقین برده و در مشکلات اجتماعی کشورمان که وجود داشته و دارد، بلافاصله زمینه‌را برای حرکت‌ها یا بعضاً اعتراضات اجتماعی فراهم می‌کنند و سپس آن را به سمت خشونت سوق می‌دهند. در واقع سبک کار منافقین اینچنین است. اگر کسی بخواهد ببیند که تأثیر گذاری این گروه‌ک در مسائل اجتماعی در سایه حرکت‌های منافقانه و پنهان آنها چگونه اتفاق می‌افتد، کافی است در فضای مجازی جست‌وجو کند و عکس‌های تهیه شده از سوله‌ها و

مرکز فعالیت منافقین در داخل سالن‌های بزرگ و ۴۰۰-۵۰۰ نفره اینها را ببیند. منافقین برای تأثیر گذاری بر افکار عمومی ایرانیان، سه شیفت پای کامپیوتر می‌نشینند! حال پرسش این است که چرا سرویس‌های خارجی برای گروه‌های معاند دیگر این شرایط را فراهم نکردند؟ به دلیل آنکه اعضای این گروه‌ک با فرهنگ اسلامی- ایرانی و اعتقادات مردم کشورمان آشنایی دارند و ادبیات آنها را می‌شناسند. این گروه‌ک، تجربه جمع‌آوری اطلاعات و خیانت به کشورشان را دارند و در عین حال، هیچ چیز هم برای از دست دادن ندارند! منافقین تنها گروهی هستند که علناً و آشکارا برای ضربه زدن به ایران و ایرانیت و نه فقط جمهوری اسلامی، هیچ‌گونه محدودیتی ندارند! به همین دلیل این گروه، بسیار مورد طمع سرویس‌های امنیتی کشورهای خارجی واقع می‌شود و تمامی امکانات را در اختیار آنها قرار می‌دهد. ما اگر گزارشات بین‌المللی وزارت امور خارجه آمریکا را در سال ۱۹۹۷ ملاحظه کنیم، متوجه می‌شویم موسسه «ژند» به سفارش پنتاگون، سازمان دیده‌بان حقوق بشر، دادگاه قانون اساسی کشور آلمان و سرویس‌های امنیتی کشور فرانسه، گزارش‌های متعددی از تخلفات عجیب و غریب منافقین دارند که نشان می‌دهد چطور اعضای این گروه‌ک در آن کشورها و برای تأمین منابع مالی، تخلفات بزرگ انجام می‌دهند. جالب آنکه دست منافقین در این زمینه کاملاً باز است و هیچ کدام از افراد آنان بابت این تخلفات اجتماعی که در کشورهای غربی انجام می‌دهد، مورد پیگرد قانونی قرار نمی‌گیرد! چراکه به هر حال تأثیر گذاری و خیانت‌های این گروه‌ک را دیده‌اند و اینکه اینها کاملاً آمادگی آن را دارند که علیه منافع ملت خود و به شکل علنی، اقدامات خشنی انجام دهند. در حال حاضر این گروه‌ک مستقیم است. اتفاقاً این موضع را همین چند روز قبل، فتالی بنت‌نخست‌وزیر اسبق اسرائیل می‌بینید که تأثیر گذاری‌های آنها بر اساس تجربیات ۴۰-۵۰ ساله‌ای است که این گروه‌ک سخاوتمندانه در اختیار کشورهای غربی قرار می‌دهند، چراکه حد و مرزی برای خیانت علیه کشورشان قائل نیستند.

از دیدگاه شما و در مقطع کنونی، چالش مجاهد – سلطنت‌طلب تا چه میزان واقعی است و چه آینده‌ای خواهد داشت؟

من فکر می‌کنم این چالش‌ها بسیار طبیعی است. به هر حال مجاهدین بنا بر اسناد بین‌المللی که وجود دارد، یک گروه فرقه‌گرا، کاملاً بسته و تالیتر است، یعنی هیچ فرد، گروه و جریانی را که کمی با آنها زاویه داشته باشد، نخواهند پذیرفت. دلیل آن هم این است که منافقین نه با سلطنت‌طلب‌ها که با هیچ جریانی نمی‌توانند به صورت معمول و متعارف رفتار کنند. به همین دلیل شما افراد مجاهدین خلق را تلویزیون‌های بین‌المللی و دیگر رسانه‌ها نمی‌توانید پیدا کنید یا کمتر پیدا می‌کنید، یعنی این سازمان چنان شرایط دگم و بسته‌ای دارد که حتی اعضایش نمی‌توانند در یک شبکه تلویزیونی (فرض کنید بی‌بی‌سی یا سی‌ان‌ان، سی‌بی‌اس و…)، برای مصاحبه حضور پیدا کنند و دیدگاه‌هایشان را در دوران جنگ در اختیار حزب بعث عراق و صدام حسین قرار دادند، کمک بسیار ذی‌قیمتی به آنها قلمداد می‌شود. این اطلاعات به واسطه آن بود که منافقین علاوه بر آشنایی کامل با مبانی فکری انقلاب اسلامی با رهبران انقلاب نیز حشر و نشر داشتند. همین شناخت، می‌توانست بیشترین کمک را به عراق در دوران جنگ کند، بنابراین شاهد این هستیم که در دوره جنگ، این‌ گروه بیشترین تأثیر را در سایه همان نفاتی دیرین و بر سابقه خود داشت. آنها حتی به سرویس‌های دیگر کشورهای معاند هم مدد فراوان رساندند. در واقع می‌توان گفت همان بهره و استفاده‌ای را که حزب بعث و صدام حسین از منافقین در زمان جنگ هشت ساله بردند، سرویس‌های امنیتی مثل سیاای آمریکا و موساد اسرائیل نیز از منافقین برده و در مشکلات اجتماعی کشورمان که وجود داشته و دارد، بلافاصله زمینه‌را برای حرکت‌ها یا بعضاً اعتراضات اجتماعی فراهم می‌کنند و سپس آن را به سمت خشونت سوق می‌دهند. در واقع سبک کار منافقین اینچنین است. اگر کسی بخواهد ببیند که تأثیر گذاری این گروه‌ک در مسائل اجتماعی در سایه حرکت‌های منافقانه و پنهان آنها چگونه اتفاق می‌افتد، کافی است در فضای مجازی جست‌وجو کند و عکس‌های تهیه شده از سوله‌ها و

حمله به مقر سازمان منافقین در آلبانی آن هم از سوی یک دولت حامی با چه منطقی انجام پذیرفت؟

مقامات جمهوری اسلامی ایران بابت برخورد با منافقین به صورت رسمی از دولت آلبانی تشکر کردند اما من معتقدم شرایط منطقه‌ای و قدرت نظام به‌عنوان یکی از برترین و تعیین‌کننده‌ترین‌ها در منطقه، انجام چنین کاری را به آنها تحمیل کرده است. آنها علی‌الاول، مجبورند در برابر ایران دست به‌عصا راه‌بوند، با این همه فراموش نکنیم که البته همان کنشوری است که یک سال قبل از اینکه چنین اقدامی را انجام بدهد، سفارت جمهوری اسلامی ایران را تعطیل و دیپلمات‌های کشورمان را هم اخراج کرد! دلیل رفتارشان هم همین گروه‌ک منافقین بودند! شاید برای عده‌ای این سؤال پیش آید، اینها که در سال قبل چنین رفتاری را در قبال سفارت‌خانه ایران انجام دادند، حال چه شده

که تغییر کرده‌اند؟ این امر دقیقاً برمی‌گردد به قدرت جمهوری اسلامی و نقش تعیین‌کننده‌ای که کشورمان در منطقه دارد. اینکه به هر حال امریکایی‌ها و دیگر کشورها اگر بخواهند اقدامی در این منطقه صورت دهند، قطعاً باید شرایط جمهوری اسلامی را بپذیرند. به‌نظرم یکی از اقداماتی که غربی‌ها به ذهنشان رسید که باید انجام دهند، همین ماجرا بود، بنابراین ما شاهد بودیم که امریکایی‌ها هم از این اقدام دولت آلبانی پشتیبانی کردند، در حالی که در گذشته، خود امریکایی‌ها شرایط حضور منافقین را در کشور آلبانی فراهم کرده و حتی به آن کشور پول داده بودند که این کار را انجام دهد. معتقدم شرایط امروز جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای است که در منطقه و جهان اقتدار فراوانی پیدا کرده است. این هم به واسطه آن است که دولت جمهوری اسلامی ایران به خصوص در این دو، سه سال گذشته، توصیه رهبر معظم انقلاب را در سیاست خارجی دنبال کرده است. توصیه دنبال کردن سیاست خارجی در سایه راه عزت، حکمت و مصلحت، چنین دستاوردی داشته است.

با گردیم به سؤال نخست درباره دادگاه منافقین، متهمان این پرونده، چگونه و با چه ملکی از سوی دستگاه قضایی انتخاب شدند؟

طبیعتاً وقتی گروهی مرتکب جرمی می‌شود، در دادگاهی و به ترتیب، متهمان ردیف اول، دوم، سوم، چهارم… برایش تعیین می‌شود. این صد و چند نفر متهمی که امروزه دستگاه قضایی کشور به‌اتهاماتشان رسیدگی می‌کند، متهمانی هستند که به ترتیب ارتکاب جرمشان مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. منتها این متهمان فرماندهان و کسانی هستند که نقش اصلی را در جنایات تروریستی در کشورمان و خیانت‌هایی که زمان جنگ مرتکب شدند، در پرونده‌شان داشتند. آنان کسانی هستند که تصاویر فرماندهی‌شان در جبهه‌های جنگ در همراهی با صدام روی تانک‌ها و در حال انجام اقدامات مسلحانه موجود است. اسناد و مدارک دقیق و فراوانی از ترورهای منافقین در داخل کشور بر جای مانده است. مثلاً زهره قلمسی – یکی از به اصطلاح توابین منافقین- از فرماندهان اصلی ترور شهید سپهبد صیاد شیرازی است. البته این فرد در همان مقر منافقین در کشور عراق به هلاکت رسید. یا مثلاً عدرا علوی طالقانی به‌عنوان یکی از افرادی که در لیست محاکمه قرار دارد، چند ماه پیش فوت کرده است. تصاویر و فیلم‌های او – که جزو فرماندهان اصلی و تعیین‌کننده در عملیات مرصاد بود- موجود است. عملیاتی که مردم بسیاری را به شهادت رساند. می‌خواهم بگویم این افراد، نقش‌های تعیین‌کننده در جنایات منافقین داشته و از فرماندهان این گروه‌ک هستند. بسیاری از این اسامی به همین ترتیب گزینش شده است. اثبات فرماندهی این اشخاص، بنا بر مدارک و اسنادی است که بعضاً خود سازمان مجاهدین خلق منتشر کرده و حاوی اعترافات آنان به این جنایات‌هاست.

به باور شما رأی دادگاهی که هم اینک علیه منافقین بر گزار می‌شود تا چه حد می‌تواند آنها را درنگنا قرار دهد؟

همانطور که اشاره کردم، اگر قرار باشد ما در سطح بین‌المللی اقدام حقوقی انجام دهیم، باید در مرحله اول در محل وقوع جرم، این مراحل را طی و مقدمات آن را فراهم کرد باشیم. متأسفانه همینست که امروزه امریکایی‌ها به دروغ اتهاماتی را به کشور ما نسبت می‌دهند؛ اتهاماتی که بر اساس اظهارات افرادی ایراد می‌شود که خودشان دادگاه‌هایش را تشکیل داده، احکام‌ها را صادر کرده‌اند و دولت امریکا نیز آنها را اجرا می‌کند. زمانی هم که بگویید چرا چنین کردید، می‌گویند چاره‌ای نداشتیم، دادگاه اینطور حکم داد! مثلاً کشور فرانسه به منافقین اجازه می‌داد در سالگرد آغاز جنگ مسلحانه و کشتار ملت ایران جشن انجام شود. منافقین از یکی از شعب دادگاه‌های این کشور حکم گرفتند و بر اساس این حکم، دولت قیلاز این احکام صادر شده باشد که بعد از آنجا خیابان و در زمانی محدود، مراسم خود را برگزار کنند، بنابراین اگر بنا باشد بر اساس احکام قضایی اقداماتی انجام شود، باید در محل وقوع جرم قیلاز این احکام صادر شده باشد که بعد از دادگاه‌های بین‌المللی بر اساس آن احکام صادر شده بتوانند حکم‌های خود را داشته باشند. به نظرم این کار، اقدامی ضروری است که باید طی سال‌های گذشته انجام می‌دادیم و به هر حال خوشبختانه و در حال حاضر، در حال انجام آن هستیم. در کل می‌توانم در باره گروه‌ک‌های تروریستی که در طول ۴۰ سال گذشته در کشتار ملت ایران دست داشتند و اقدامات جنایتکارانه انجام داده‌اند، بگویم که عرصه بر این جنایتکاران روز به روز تنگ‌تر خواهد شد. این مسئله‌ای است که ما در دو، سه سال گذشته شاهدش بودیم. رهبران گروه‌های تروریستی مثل انجمن گذار و انجمن پادشاهی ایران و بعضی گروه‌های جنایتکار دیگر، در هر حال دستگیر، به کشور بازگردانده شده و پای میز محاکمه نشستند. این موضوع شامل حال منافقین هم می‌شود و روز به روز، هر چه بر اقتدار جمهوری اسلامی ایران افزوده می‌شود، عرصه بر گروه‌ک‌ها و کسانی که جانی هستند و خون ملت ایران را بر زمین ریخته، تنگ‌تر خواهد شد. هر گروهی باید بدانند اگر خون ملت ایران را بر زمین بریزد، کارش به هر شکلی نمی‌تواند بی‌پاسخ بماند و نهایتاً باید درباره آنچه انجام داده، جوابگو باشد و بهای آن را بپردازد.



۱۳۰۲ آذر ۱۳۰۲، قاضی ا.دومین جلسه دادگاه منافقین

صیدرودتیه‌عبدا‌عزیز